

اين فوتbal است يا جنگ اعصاب؟!

با پايان گرفتن رقابت هاي ليگ دسته يك جنگ اعصاب شروع شده است. هنوز دو هفته اي از آخرين سوت ديدار شهرداري اردبيل و پيكان نگذشته است که جندien فقره دعوای درست و حسابی را شنیده و تماشا کرده ايم. نمى دانم چرا اينجوري شد تا مى خواهی حرفی از تيم و فوتbal بزنی اوضاع قاراشميشه مى شود . مثل اينکه اينجا همه با هم دعوا دارند اين طوری که رفتار مى شود گويي عده اي مى خواهند زمينه را برای شروع يك جنگ اعصاب تمام عيار طولاني آماده نمایند. بعد از اوضاع و احوالی که با پايان ليگ در اطراف تيم حاكم شد هر کس به فرآخور حال يكى را مقصري دانسته و يقه اين و آن را گرفتند و در مواقعي برای بازيكنان ، تماشاگران و ... آبرویي باقی نگذاشتند.

به طورصادفي با دو تن از افتخار آفرينان فوتbal دهه 60 اردبيل مواجه شدم. تا سر صحبت با آنها را باز کردم ناخودآگاه جو مسموم و آلوده اين روزهای فوتbal اردبيل محور حرف ها شد. آنها گفتند ما فوتbal را برای فوتbal بازی مى کردیم. فوتbal را برای لذت بردن بازی مى کردیم. تماشاجی هم که به ورزشگاه مى آمد در وهله اول برای تفریح مى آمد. اون لذتی که توی زمین ماها از بازی کردن مى بردیم ، به سکوها منتقل مى شد و تماشاگر از دیدن بازی لذت خودش را مى برد.

وضعیت قرمز و جو متینج فوتbal امروز استان ما حرف ديگري از مهدی مهدوي کيا بازيكن فراموش نشدنی فوتbal ايران اسلامي را به ياد مى اندازد که گفت: در ايران ما بلد نيسريم چطوری از فوتbal لذت ببريم . نه بازيكن از اين فوتbal لذت مى برد، نه مربی، نه تماشاگر، نه كارشناس ونه..... و خلاصه نه هيچکس ديگر.

اگر گفته هاي آن دو پيشکسوت و اين بازيكن معروف و نامي را جمع بزنيم باید بگوئيم که فوتbal در وهله اول برای لذت بردن و تفریح کردن و پر کردن اوقات فراغت است بنا بر اين ما باید ياد بگيريم چه مى بريم، چه مى بازيم، چه تيم محبوبمان مى برد، چه مى بازد، در درجه اول از آن دو ساعت وقتی که برای فوتbal گذاشته ايم، چه بازی بکnim و چه تماشاگر باشيم، حسابی لذت ببريم و تفریح بکnim و در ادامه اش بعد از بازی حاشیه اش نيز لذت بخش باشد . اما دیده ايم که ما هم در جريان بازی ها و هم بعد از پايان ليگ با چه مصائبی رو برو گشته ايم . دیده ايم که از بازار جنگ و دعوا و انگ و تهمت

و حریم شکنی و پرده دری و بی حرمتی و فحش و بدگویی و غیبت و تهمت و کینه توزی و نفرت و تنفر و... چیزی گیرمان نمی آید و می بینیم مربی با مربی درگیر است، بازیکن با مدیر، مربی با بازیکن، بازیکن با خبرنگار و خبرنگار با مدیر.

یکی پیدا نمی شود بگوید و فریاد بکشد که با با مسابقات فوتبال چه در لیگ برتر و چه در دسته دو و سه برای این به پا شده اند که مردم، جوان ها، علاقه مندان و ... توی ورزشگاهها و در خانه ها و پای جعبه سحر انگیز بنشینند و لذت ببرند و وقت فراغت خودشان را به شکل سالم پر کنند.

امروز فوتبال ما به عرصه ای برای بداخلانی ها و دعواها تبدیل شده است و این فوتبال و این بازی که در همه دنیا لذت آور و بهجت آفرین است برای ما به جنگ اعصاب تبدیل شده است.

باید بپذیریم که فضای حاکم بر فوتبال و حاشیه های آن به جز یاس و نامیدی و به جز تاسف و افسوس هیچ حاصلی برای مردم و جامعه نمی تواند داشته باشد. وقتی انسان در فضای مجازی و در گروههایی که به نام هواداران ایجاد شده است مراجعه می کند از مشاهده حرف ها، سخنان، دشنام ها و فحش هایی که رد و بدل می شود و اتهاماتی که به این و آن زده می شود عرق شرم بر پیشانی نقش می بندد.

بعضی ها می خواهند وانمود بکنند که با سقوط تیم، دنیا به آخر رسیده است و همه چیز برای فوتبال اردبیل تمام شده است و با تبلیغ هرچه بیشتر این فکر و ایده می خواهند جو را از آن چه هست آشفته و آشفته تر بکنند.

تماشاگر واقعی برای حمایت از تیم محبوب خودش به لیگ و جایگاه تیم نگاه نمی کند. مگر ندیدیم و نشنیدیم که در دیدار سپیدرود رشت با بادران در آخرین دیدار لیگ دسته دوم بیش از 20 هزار نفر در ورزشگاه عضدی رشت حضور داشتند و دیوانه وارتیم خود را تشویق می کردند . برای تماشاگر واقعی شهرداری فرقی نمی کند که این تیم در لیگ برتر باشد یا در دسته دوم، باید بیایند و سکوها را پر بکنند و از تماشای بازی تیم محبوب لذت ببرند.

آقا یانی که با قایم شدن در پشت تماشاگران کم تجربه و احساساتی همچنان به فکر ادامه دادن روش و سبک و سیاق خود در دنیای فوتبال هستند بخود آیند و از سوء استفاده از احساسات تماشاگران و علاقه مندان به تیم دست بردارند و اجازه بدهنند تماشاگران و دوستداران

فوتبال به سر بلندی و سرافرازی تیم و راههای رسیدن به آن هدف برنامه ریزی نمایند و در نهایت همه آنها ائی که در ایجاد جو آشفته فوتبال سهمی دارند و نقشی ایفا می کنند از کرده خود پشمیمان شوند و فوتبال را به حال خود رها بکنند و امکان نفس کشیدن در محیطی ارام و سرشار از اکسیژن را برای دست اندکاران فراهم کنند تا بتوان تیمی سرحال، آماده، قبراق و پرتowan را برای فصل بعد آماده کنند و همه دست به دست هم بدهند و بساط ناسزاگویی و حرمت شکنی را جمع کنند و با حرکات سخیف و چندش آور دامن تیم محبوب شهرداری و هواداران راستین آن را آلوده ننمایند.